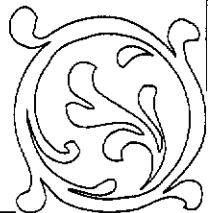
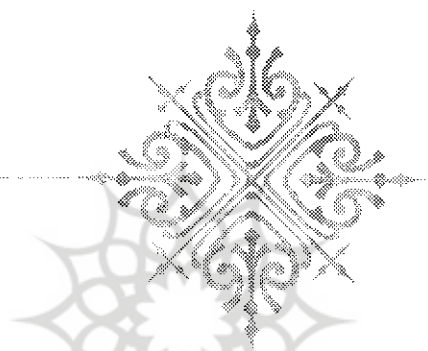


نجات قرآن (۴)



بهاء‌الدین خرمشاهی



بحث ما، این بار درباره یکی از موجودات نحوی مشهور زبان عربی، به نام واو استیناف یا استینافیه است. همه نحویان این پدیده را به رسمیت می‌شناسند. مشخصات آن، این است که در آغاز کلام می‌آید، کار ربط یا عطف یا جمع را انجام نمی‌دهد و از نظر نحوی کلمه بعد از آن مرفوع است. می‌توان آن را واو آغازگر کلام نامید. در قرآن مجید تعداد آن بی‌تردید از هزار فقره بیشتر است. می‌توان با مراجعه به معجم المفهرسی که درباره حروف و ادوات قرآنی تدوین شده است، تعداد آن را، البته با تحقیق و فحص معین کرد. منظور از تحقیق و فحص این است که فرد محقق باید این نوع واو را از میان ۱۴ نوع دیگر (طبق احصای ابن هشام در مغنی اللیب که قایل به ۱۵ نوع واو است) تمیز دهد و بیرون بکشد. نمی‌دانم آیا این استدلال روا و درست است که بگوییم، به این دلیل همه واوهای آغازین آیات قرآنی (یا اکثریت قریب به اتفاق آن‌ها) واو استیناف است که تعیین کنندگان اولیه آغاز و انجام آیه‌های قرآنی، طبعاً این نکته را رعایت می‌کرده‌اند که آیه را در آغاز واو عطف قطع نکنند. زیرا اقتضای واو عاطفه، متصل کردن دو جمله یا دو عبارت است و قطع کردن دو عبارت که واو عطف دارد و معطوف به هم است به این آسانی‌ها روا

نیست. تجربه و مشاهده و تأمل در آیاتی که واو آغازین دارد هم مؤید این برداشت است. فی المثل واو در ولله المشرق والمغرب (بقره/۲/۱۱۵) و در ولکم فی القصاص حیوة یا اولی الالباب (بقره/۲/۱۷۹) و در والوالدات یرضعن اولادهن حولین کاملین (بقره/۲/۲۳۳) هر سه واو آغازگر کلام، استینافی است. گذشته از قرآن کریم، در شعر عربی از آغاز، از عهد اول، از شعر جاهلی تا امروز و نیز در اغلب خطاب‌ها و مثال‌ها و تمثّل‌ها و حتی گفت و گوی عادی عربی هم واو استیناف وجود دارد. ممکن است پرسیده شود فایده و نقش واو استیناف چیست؟ در پاسخ عرض می‌کنم:

مشکل واو نه در حوصله دانش ماست

حل این نکته بدین فکر خطا نتوان کرد

به نظر می‌رسد بیش‌تر نقش تزیینی و جمال‌شناختی زبانی دارد. به نظر می‌رسد لکم فی القصاص حیوة (بدون واو در آغاز آن) از نظر حس و ذوق زبانی کم و کسر دارد. شاید هم نوعی عطف دورادور و ذهنی و غیرعینی انجام می‌دهد. گفتنی است که واو استیناف در زبان و ادب فارسی وجود ندارد. مگر بسیار بسیار نادر که النادر کالمعدوم. بنده با حافظه نخ نمای خود، چندین بیت عربی در خاطر دارم که با واو استیناف شروع می‌شود، اما با آن که شاید هشت-ده هزار بیت فارسی در خاطر داشته باشم، حتی یک بیت که با واوی شبیه به واو استیناف عربی آغاز شده باشد، در خاطر ندارم و این در حد قرینه است و گرنه حافظه و ضعف حافظه بنده که برای کسی حجت نمی‌شود. امیدوارم اگر در این حکم که در زبان و ادب فارسی واو استیناف نداریم، بر خطا هستم، صاحب نظران از راهنمایی و فیض بخشی مضایقه نفرمایند.

حال به اصلی‌ترین و حساس‌ترین سؤال و مسأله این مقاله می‌پردازیم و آن این است که آیا واو استیناف آغازین بسیاری از آیات قرآنی، باید در ترجمه به زبان فارسی یا همچنین انگلیسی، فرانسوی و زبان‌های دیگر، حفظ شود یا حذف گردد؟

احتیاط‌گرایان و اهل دقت و تدقیق به سرعت جواب می‌دهند که بله باید حفظ شود. زیرا مترجم امین، حق ندارد نه یک واو از اصل، در ترجمه خود بیندازد، نه یک واو از پیش خود، مگر در داخل قلاب، بیفزاید.

بنده هم یک‌وقت با این جواب همدلی و هماوایی داشتم، اما هرچه در این زمینه بیش‌تر تحقیق کردم، بیش‌تر به تردید افتادم. بنده برای پی بردن به وضع مترجمان

فارسی و انگلیسی به ترتیب ۱۸ و ۳ ترجمه فارسی و انگلیسی را از این نظر با نمونه برداری و توجه به واوهای استینافی سوره بقره، بررسی کرده‌ام و به این نتیجه رسیده‌ام که حذف، آن هم حذف فراوان واو استینافی، در ترجمه‌های قدیم و جدید فارسی و جدید انگلیسی پدیده‌ای شایع است.

قدیم‌ترین ترجمه موجود و کهن فارسی که در حدود ۱۱۰۰ سال تاریخ دارد، ترجمه قرآن قدس است که به همت استاد دکتر علی رواقی کشف و به بهترین و علمی‌ترین اسلوب تصحیح شده و در دو جلد به طبع رسیده است. متأسفانه این ترجمه بسیار کهن سال، از آغاز تا آیه ۲۱۳ سوره بقره افتادگی دارد، لذا به ناچار بنده واوهای بعدی این سوره را در آن ترجمه شمارش کردم. از میان حدوداً ۶۰-۷۰ آیه که از باقی مانده سوره بقره در این ترجمه وجود دارد، کلیه واوهای آغازین آیات (که به احتمال بسیار همه آنها واوهای استینافی است) در ترجمه (با آن که ترجمه فارسی تحت اللفظی است و در ذیل نص آیات مقدس قرآنی نوشته شده است) حذف شده است. یعنی ۱۸ فقره حذف واو در ترجمه آیات ۲۱۳ تا آخر (۲۸۶) قرآن قدس مشهود است. کنجکاو و احتیاط علمی مرا بر آن داشت که در این ترجمه، سری به سوره‌های بعدی بزنم و با کمال شگفتی ملاحظه کنم که تمامی واوهای استینافی در این ترجمه حذف شده است. ترجمه کهن بعدی فارسی، ترجمه مندرج در ترجمه تفسیر طبری است، در این اثر ۲۹ فقره واو از واوهای آغازین آیات (که علی‌الاصول همه باید استینافی باشد) حذف شده است. در ترجمه مهم بعدی یعنی ترجمه نوبت اول تفسیر میبیدی یا کشف الاسرار هم، ۲۹ فقره حذف واو استینافی دیده می‌شود. ترجمه‌های دیگر را که جز یکی (شاه ولی‌الله دهلوی) همه معاصر است به ترتیب از کم به زیاد می‌نویسم. سه ترجمه پیشگفته را هم برای آن که بهتر بتوان مد نظر گرفت در مرتبه و ردیف عددی آن‌ها یاد می‌کنم:

۱. ترجمه فارسی شاه ولی‌الله دهلوی، ۱ فقره حذف واو در سوره بقره دارد.
۲. ترجمه جلال‌الدین فارسی، ۳ فقره.
۳. ترجمه مرحوم محمد کاظم معزی، ۵ فقره.
۴. ترجمه مرحوم رهنما، ۵ فقره.
۵. ترجمه آقای محمد مهدی فولادوند، ۶ فقره.
۶. ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، ۱۲ فقره.

۷. ترجمه قرآن قدس، ۱۸ فقره.
 ۸. ترجمه آقای دکتر مجتبی، ۲۰ فقره.
 ۹. ترجمه دکتر خرّم دل، ۲۶ فقره.
 ۱۰. ترجمه تفسیر طبری، ۲۹ فقره.
 ۱۱. ترجمه تفسیر میبدی، ۲۹ فقره.
 ۱۲. ترجمه آیت الله مکارم، ۳۱ فقره.
 ۱۳. ترجمه پیکتال (انگلیسی)، ۳۲ فقره.
 ۱۴. ترجمه آربری (انگلیسی)، ۴۰ فقره.
 ۱۵. ترجمه آقای خواجهی، ۴۳ فقره.
 ۱۶. ترجمه مرحوم قمشه ای، ۴۶ فقره.
 ۱۷. ترجمه عبدالله یوسف علی (انگلیسی)، ۵۴ فقره.
 ۱۸. ترجمه آقای آیتی، ۶۵ فقره.
 ۱۹. ترجمه آقای بهبودی، ۶۵ فقره.
 ۲۰. ترجمه مرحوم پاینده، ۸۹ فقره.
 ۲۱. ترجمه آقای کاظم پورجوادی، ۱۰۵ فقره.
- جمع کل ۷۲۴ فقره.

میانگین حذف و او استینافی در ترجمه سوره بقره در این ۲۱ منبع، عبارت است از عدد ۳۴/۵. اولین حکمی که نباید کرد این است که مترجمان ۲۱ گانه از روی سهو این واوها را حذف کرده اند. زیرا در میان این ۲۱ ترجمه، بعضی ترجمه ها هست، مانند ترجمه آقای فولادوند و نیز ترجمه راقم این سطور، به ویژه ترجمه عبدالله یوسف علی که مکرر از صافی و ویرایش ها و بازنگری های مفصل و متعدد گذشته است.

وقتی که کهن ترین ترجمه فارسی، یعنی ترجمه قرآن قدس مطرّداً و جمیعاً کلیه واوهای استینافی آیات قرآن را حذف می کند، درحالی که به خاطر زیرنویس بودن، نص آیه و واو آن جلوی چشم مترجم بوده است، چه جای سهو و غفلت است. اگر بگویند نه سهو و غفلت، بلکه عادت و غریزه زبانی این مترجمان ۲۱ گانه به نحو طبیعی و آگاهانه - ناآگاهانه این گونه عمل کرده است، از این حکم، این نتیجه به دست می آید که حذف بسیاری از واوهای استینافی آغازگر آیات قرآنی، در ترجمه فارسی و انگلیسی و احتمالاً

زبان های دیگر رواست. (این را هم در پرانتز بگوییم که نه تمام واوهای آغازگر آیه ها، استینافی است و نه واو استینافی فقط در آغاز آیه می آید) یک مثال متفاوت که در فرهنگ های نحوی از واو استینافی موجود در داخل یک آیه نقل می شود، این واو است: ...لنَبِّينَ لَهُمْ وَ نَقَرًا فِي الْاِرْحَامِ مَا نَشَاءُ... (حج/۲۲/۵) (تا [حقیقت را] برای شما هویدا کنیم و هرچه را بخواهیم تا زمانی در رحمها قرار می دهیم...) درباره جست و جوی این واو در منابع ۲۱ گانه، گفتنی است که چون آیه شمار بعضی قرآنها با قرآن رسمی جهان اسلام (مصحف المدینه طبع مدینه منوره و کتابت عثمان طه) فرق دارد، همه شماره آیات را با مصحف رسمی تطبیق و درواقع شمردن را طبق مصحف رسمی انجام داده ایم. در این مقاله برای رعایت اختصار شماره آیات (آیاتی را که در سوره بقره است و واو استینافی دارد) نقل نکرده ایم. ولی در پیش نویس بنده موجود است و اگر کسی خواهان باشد، می توانم عرضه بدارم. نکته دیگر این است که در بعضی ترجمه ها، به ویژه ترجمه مرحوم پاینده حذف واو حتی واو عاطفه و درون آیه ای هم بیداد می کند. چنانکه در آن ترجمه، در آیه ۱۰۲ بقره، شش فقره حذف واو، و در آیه ۱۴۵، چهار فقره حذف واو، و در آیه ۲۳۱، پنج فقره حذف واو، و در آیه ۲۸۲ معروف به آیه دین/تداین/مداینه ۵ فقره حذف واو مشهود است. ما در شمارش خود، این مکررات را مکرر حساب کرده ایم. نکته دیگر این که در سه آیه ای که به عنوان نمونه آیات دارای واو استیناف نقل شد (ولله المشرق، بقره ۱۱۵، ولکم فی القصاص، بقره ۱۷۹، والوالدات یرضعن، بقره ۲۳۳) اغلب یعنی بیش از نصف این منابع و ترجمه ها همانند و یکسان عمل کرده اند یعنی غالباً این واوها را در ترجمه نیاورده اند.

چنان که قبلاً هم اشاره شد، نهایی ترین سؤال و مسأله ما و مقصود اصلی از نگارش این مقاله این است که آیا با واو استیناف در ترجمه به فارسی یا هر زبانی چه باید کرد. احتیاط گرایان خواهند گفت حفظ آن ضرورت دارد. زیرا امانت ترجمه متن مقدس چنین ایجاب می کند. ولی به نظر می رسد، حفظ سرتاسری و همیشگی این واوها، بیشتر از سر و سواس است و به دقت مکانیکی می ماند، نه دقت علمی و هنری و ترجمه ای. ممکن است بگویند عمل به احتیاط در ترجمه متن مقدس قرآن کریم، بهتر است و مگر حفظ این واوها در ترجمه چه ضرر یا تالی فاسدی دارد؟ پاسخ این است که خالی از ضرر نیست. زیرا وقتی در زبانی مانند فارسی، موجودی به نام واو

استیناف وجود ندارد، آوردن، یعنی حفظ این واو در ترجمه این اشکال را دارد که خواننده فارسی زبان، یا انگلیسی زبان آن را به جا نمی آورد و حمل بر واو عاطفه می کند. دیگر آن که از نظر جمال شناسی زبانی و ادبی همان طور که آوردن این واو در زبان عربی و نثر قرآن باعث زیبایی و ملاحظت می شود، در زبان فارسی نیاوردن آن باعث ملاحظت و زیبایی و استحکام و استواری و استقلال جمله می گردد: ۱) مشرق و مغرب خدای راست... ۲) شما را ای خردمندان در قصاص، زندگانی نهفته است ۳) مادران باید فرزندانشان را دو سال کامل شیر دهند. حاصل آن که استدلال به کنار عملکرد، حتی عملکرد غریزی و ناآگاهانه مترجمان ۲۱ گانه نیز مؤید همین معنی و عملاً مؤید این نظر است. اصل اصیل زبانی و ترجمه ای این است که زبان مقصد (در ترجمه قرآن یعنی زبانی که به آن ترجمه می شود یعنی فارسی، انگلیسی و غیره)، مقتضیات و اختصاصات خاص خود را دارد. این است که فی المثل آوردن حرف *ā*، به عنوان حرف و ادات نکره در زبان انگلیسی کتبی و شفاهی و قدیم و جدید رایج است، اما صاحب نظران در امر ترجمه و مترجمان ماهر، غالباً آن را در ترجمه خود حذف می کنند. یک مقوله مهم از این نوع، موجودات زبانی و دستور زبانی، حروف و ادات تأکید و حصر و اختصاص و غیره در زبان عربی است مانند: *إِنَّ، أَنْ، إِنَّمَا، أَلَمْ، قَدْ، لَقَدْ، وَ لَقَدْ* و لام و نونهای تأکید خفیفه و ثقیله است که معادل طبیعی در زبان فارسی و احتمالاً زبان های دیگر ندارد. حفظ آن ها فقط برای خنک کردن دل و ارضاء و سواس احتیاط گرایان و امانت گرایان افراطی و غالی است و ما در ترجمه خود از قرآن کریم، راه میانه و جدیدی باز کرده ایم یعنی فی المثل نون تأکید ثقیله را با افزودن کلماتی چون «همیشه» و «همواره» و در عبارات منفی، با «هرگز» نشان داده ایم. و فی المثل *لَا تَحْسَبْنِ* را به «هرگز گمان مبر/مپندار» درآورده ایم. یا *لَقَدْ عَلِمْتُمْ* را به «به خوبی می دانستید» و نظایر آن ترجمه کرده ایم. نه اینکه *قَدْ/ لَقَدْ* را به «به تحقیق» ترجمه کنیم. برای تفصیل در این باره ← «گفتار مترجم» در قرآن مترجم راقم این سطور. همین است که بنده در جزو هنرها و علوم و فنون و مهارت هایی که باید مترجم قرآن به فارسی داشته باشد، تسلط او را به صناعت ترجمه و احاطه او را به نثرنویسی فارسی، جزو شروط اصلی می دانم. اگر چنین نبود و رعایت صوری و ظاهری نص مقدس همه الفاظ قرآنی، ترجمه بهتر و هنری تر به دست می داد. پس باید ترجمه قدما به طور کلی و در مجموع از ترجمه

معاصران بهتر باشد، حال آن که علی‌الاصول ترجمه معاصران از ترجمه قدما شیواتر، هنری‌تر، طبیعی‌تر، رساتر و وافی به مقصودتر است. بعضی از ترجمه‌های قدما از شدت تحت‌اللفظی بودن نامفهوم یا کم‌مفهوم است، مانند ترجمه قرآن قدس و ترجمه تفسیر طبری. البته مراد ما این نیست که در میان آثار قدما ترجمه راحت و روا و شیوا نیست. هست، ولی معدود است. یا مراد این نیست که همه ترجمه‌های معاصران شیرین و شیواست. احساساتی‌گری را باید کنار گذاشت. امروزه در ایران، جماعت و جمعیتی در حدود پنجهزار نفر هستند که فارسی معیار را بسیار ماهرانه و شیوا می‌نویسند. در کدام یک از اعصار قدیم این همه نثرنویس فصیح داشته‌ایم؟

باری در جنب کندوکاو در ۲۱ ترجمه قرآن کریم، به یک متن قدیمی غیر از ترجمه‌های قرآن هم رجوع کردم تا وضع او و استینافیه را در آن بررسی کنم. آن یک متن، کلیله و دمنه نگاشته نصرالله منشی و تصحیح شادروان مینوی است. از ایام تحصیل در رشته زبان و ادب فارسی، در سی سال پیش، که این متن جزو متون درسی ما بود، در خاطرمان مانده بود که بسیاری اشعار عربی در لابه‌لای داستان‌های این کتاب آمده است که با او استینافیه آغاز می‌گردد و باید دید این او در ترجمه آن ابیات حذف شده یا حفظ شده است. گفتنی است که این اشعار ترجمه کهن ربطی به قلم نصرالله منشی ندارد، بلکه مصحح یعنی شادروان مینوی خود آن‌ها را در پای صفحات ترجمه کرده است. حاصل جست‌وجوی بنده در سراسر این کتاب، این بود که جمعاً ۵۴ بار حذف او و استینافیه در ترجمه اشعار عربی به قلم مرحوم مینوی دیده می‌شود که از این میان ۳ تا در ترجمه آیات قرآنی است.

